

**Predigt zum Trinitatisfest, 26.5.2024,
Erlöserkirchengemeinde Düsseldorf (SELK),
Pfr. Gerhard Triebe**

Epheser 1,3-14:

- چقدر باید خدا را شکر کنیم، خدایی که پدر خداوند ما عیسی مسیح است، و همهٔ برکات آسمانی را به ما 3 ارزانی داشته، به این دلیل که ما از آن مسیح هستیم
- خدا از زمانهای بسیار دور، حتی پیش از آنکه جهان را بیافریند، ما را برگزید تا در اثر آن فداکاری که 4 مسیح در راه ما کرد، از آن او گردیم. خدا از همان زمان، اراده نمود تا ما را در نظر خود پاک سازد به طوری که حتی یک لکه نیز در ما یافت نشود، تا وقتی در حضور او حاضر میشویم، سراپا مدیون محبت او باشیم
- نقشهٔ غیرقابل تغییر خدا همواره این بوده است که ما را در خانوادهٔ الهی خود به فرزندی بپذیرد؛ و 5 برای این منظور، عیسی مسیح را فرستاد تا جانش را در راه ما فدا کند. علت این تصمیم فقط این بود که خدا اراده کرده بود این لطف را در حق ما بکند
- پس خدا را ستایش میکنیم که تا این حد ما را دوست داشته و تا این اندازه در حق ما لطف کرده است 6. آن هم فقط به خاطر اینکه متعلق به فرزند عزیز او مسیح هستیم
- لطف و فیض خدا نسبت به ما به قدری زیاد بود که حتی حاضر شد به قیمت خون فرزندش تمام گناهان 7 ما را ببخشد و ما را نجات دهد
- و سیل برکات و الطاف خود را به سوی ما جاری سازد. آه، که حکمت او چه عظیم است و درک او از 8 نیاز ما چه عالی است
- خدا نقشهٔ نهان خود را بر ما آشکار ساخت، نقشهای که در اثر لطف خود، از زمانهای دور طرح کرده 9 بود؛ او نقشهٔ خود را آشکار ساخت تا ما نیز بدانیم که او به چه منظور مسیح را به جهان فرستاد
- قصد خدا این بود که وقتی زمان معین فرا برسد، همهٔ ما را در هر جا که باشیم، چه در آسمان و چه 10 بر زمین، با هم در مسیح گرد آورد تا همواره با خدا به سر پریم
- علاوه بر این، به خاطر آن فداکاری که مسیح در راه ما کرده است، ما برای خدا همچون هدیه‌های 11 شده‌ایم که مورد پسند اوست، زیرا نقشهٔ عالی خدا از همان ابتدا این بود که ما را برگزیند تا از آن او گردیم، و چنانکه ملاحظه میکنیم، او این نقشه را تحقق بخشیده است
- مقصود خدا از این عمل این بود که ما به عنوان نخستین کسانی که به مسیح ایمان آوردیم، او را 12 برای لطفی که در حق ما نموده است، تمجید و ستایش کنیم
- به سبب فداکاری مسیح، همهٔ شما نیز که پیغام نجاتبخش انجیل را شنیدید و به مسیح ایمان آوردید 13 بوسیلهٔ روحالقدس مهر شدید تا مشخص شود که متعلق به مسیح هستید. خدا از زمانهای گذشته، وعده داده بود که روحالقدس را به همهٔ ما مسیحیان عطا کند؛
- و حضور روحالقدس در ما، ضمانت میکند که خدا هر چه وعده داده است، به ما عطا خواهد فرمود 14
- مهر روح خدا بر ما، نمایانگر اینست که خدا ما را بازخرید کرده و ضمانت نموده است که ما را به حضور خود ببرد. این نیز دلیل دیگری است برای آنکه خدای شکوهمند خود را سپاس گوئیم

جامعه عزیز، عید تثلیث سخت ترین جشن مسیحیت است. زیرا در اینجا به هسته راز خدا نزدیک می شویم با انجام این کار، ما لزوماً به محدودیت های توانایی خود برای درک می رسیم. هر جا که به موضوع یا موقعیت خاصی فکر کنیم و بخواهیم آن را بفهمیم مشکل ساز است. اگر به محدودیت های خود برسیم و نتوانیم جلو برویم، نمی توانیم موضوع را "درک" کنیم و آن را تحت کنترل بگیریم

اما در زمینه های دیگر ما با چنین رازهایی بسیار خوب زندگی می کنیم، به عنوان مثال در مورد روابط. آیا همیشه کمی رمز و راز در مورد کسی که دوستش دارید باقی نمی ماند؟ اما این شما را از او دور نکرد شاید حتی رابطه شما را هیجان انگیزتر و عمیق تر کرد. و اگر سعی می کردید به این معما مانند موضوع یا موضوعی که هنوز متوجه نشده اید نزدیک شوید، چیزی را در رابطه خود خراب می کنید. از آنجا که طرف

مقابل نمی‌خواهد با او مانند یک شی یا موقعیت رفتار شود، نمی‌خواهد درک شود و تحت کنترل درآید، بلکه می‌خواهد - حتی اگر شما او را درک نکنید - جدی گرفته شود، پذیرفته شود و دوست داشت

رابطه ما با خدا رابطه یک شی یا موقعیت نیست، بلکه رابطه عاشقانه با همتای شخصی است. حداقل خدا او ما را کاملاً و از هر لحاظ می‌شناسد. تا چیزی از ما بر او پنهان نماند. اما آنچه او می‌بیند و می‌شناسد، او را وادار نمی‌کند که ما را کنترل کند و دست‌کاری نماید، بلکه قلبش را تحت تأثیر قرار می‌دهد که با عشق به سوی ما بیاید، ما را بپذیرد و با وفاداری برای ما حاضر باشد. اینگونه به ما نزدیک می‌شود

این دقیقاً همان چیزی است که پولس تجربه کرده و در اینجا با چنان شور و هیجانی درباره آن صحبت می‌کند که تقریباً او را از خود بی‌خود می‌سازد. او نمی‌خواهد با ما بحث‌های نظری درباره چگونگی تصور ما از یک خدا در سه شخص داشته باشد. بلکه می‌خواهد ما را نیز با شوق خود نسبت به این خدای محبت‌کننده مبتلا کند و با خود همراه سازد. با استفاده از واژگان فراوان و تقریباً لبریز از شور، او تلاش می‌کند تا به ما بفهماند که ارتباط با این خدای سه‌گانه چه معنایی دارد. می‌خواهم بر سه نکته تمرکز کنم، مرتبط بودن با خدای سه‌گانه به این معناست که: (1) توسط پدر برگزیده شدن، (2) توسط پسر نجات یافتن، و (3) توسط روح در این که او ما را دوست دارد، یقین پیدا کردن

پولس می‌نویسد: «در مسیح، خدا ما را پیش از آفرینش جهان برگزیده است... از همان ابتدا، او ما را برای این منظور تعیین کرده که از طریق عیسی مسیح فرزندان او شویم» (آیات ۴ و بعد). این همه بسیار شگفت‌انگیز به نظر می‌رسد. این یعنی ما نزد او کنار گذاشته و فراموش نشده‌ایم، بلکه انتخاب و ارزشمند شده‌ایم. این یعنی او ما را می‌خواهد، با وجود اینکه ما همیشه همان‌طور که هستیم باقی می‌مانیم، و این که او نه به طور اتفاقی به ما برخورد کرده، بلکه از ازل ما را در نظر داشته است. این یعنی او خیلی پیش از آن که ما بتوانیم فکر کنیم و او را درک کنیم، به ما اشتیاق داشته است

اما منظور پولس دقیقاً همین است. و منظور او این نیست زیرا اسب خود را به دلیل اشتیاق مذهبی خود از دست داده است، یا به این دلیل که متکلمان تمایل دارند در هنگام اندیشیدن به خدا کمی سرگردان شوند. او از نزدیک تجربه کرده بود که خدا اینقدر به او نزدیک است. و این بدان معناست که همه ما فرزندان مورد نظر خداوند هستیم. این در غسل تعمید ما روشن شد. اینجا انتخاب خدا ملموس شد. در اینجا او به ما جواب مثبت داد و ما را در جامعه خود پذیرفت - نه به این دلیل که همه ما آنقدر خوب بودیم که راهی جز انتخاب خدا از ما نبود. ما فرزندان مورد نظر خدا از طریق مسیح هستیم

II.

این ما را به جنبه دوم تعلق خود به خدای سه‌گانه می‌رساند: ما از طریق پسر نجات یافته ایم. بدیهی نیست که انتخاب خدا به گردن ما افتاده است این تجربه روزمره ما در بین هموعانمان است که همیشه آورده خاطر می‌شویم و با طرد مواجه می‌شویم. خدا هم هر دلیلی برای انجام این کار دارد - رفتاری که ما با او داریم! اما او در پسرش نزد ما آمد. «از طریق کسی که خون خود را برای ما ریخت، نجات یافتیم. پولس می‌نویسد که از طریق او گناهان ما بخشیده می‌شود. در اینجا بسیار واضح است که ما از طریق مسیح برکت یافته ایم. هیچ چیز در اینجا حدس و گمان باقی نمی‌ماند، بلکه بسیار ملموس می‌شود. خون برای آن ریخته شد، خون خود خدا

واضح است که اوضاع بین ما و او خیلی بد بود. چون مشکل ما با خدا فقط این نبود که او را نشناختیم و شناخت کافی از او نداشتیم. مشکل ما این است که او را نمی‌خواستیم، مدام او را دور می‌زینیم، نمی‌خواهیم اجازه دهیم او به ما نزدیک شود و وارد زندگی ما شود. او به عنوان یک خدمتگزار و برآورده کننده آرزو باید به اندازه کافی برای ما خوب باشد، اگرچه اگر مطابق آن رفتار نکرد، می‌خواهیم او را پاسخگو کنیم و حداقل او را با کناره‌گیری از عشق مجازات کنیم. اگر او ما را از این نگرش اشتباه رها نمی‌کرد، ما را تسلیم نمی‌کرد، این فقط می‌توانست یک چیز وحشتناک باشد»

اما این هدف رهایی را نمی توان با خشونت به دست آورد. ما فقط تحت ستم و بردگی قرار می گرفتیم برای اینکه بتوانیم به روی او باز شویم و به نگرش اعتماد و عشق برسیم، فقط به یک دسته گل به نشانه عشق نیاز نداریم. دلیل عشق خدا صلیب است. این باید برای ما روشن کند که هیچ انگیزه خودخواهانه ای وجود ندارد که او را در جلب نظر ما راهنمایی کند. این باید به ما نشان دهد که او اهمیتی ندارد که ما در مسیر خودمان به کجا می رسیم. او نمی خواهد بگذارد ما هلاک شویم، بلکه می خواهد ما را نجات دهد حتی اگر به قیمت جانش تمام شود. آنچه نگرش ما از بی خدا بودن و در برابر خدا بودن در همه عرصه های جهان، در سیاست بزرگ و همچنین در زندگی روزمره ما انجام می دهد، چیزی است که او می خواهد با فداکاری خود از بین ببرد. صلیب دلیل بی نظیر عشق خدا به ما و همه مخلوقاتش است

این راه فداکاری به این معناست که ما را مجبور به ایمان یا عشق نمی کند. این چه نوع ایمان و عشقی باید باشد؟ او می خواهد ما را به دست آورد تا از روی انگیزه درونی او را دنبال کنیم. اگر امتناع کنیم، او هنوز قدرت دارد، اما ما با آشفتگی خود تنها می مانیم. اما او می خواهد که ما نجات پیدا کنیم و زندگی و دنیای ما مرتب شود.

III.

روح القدس می خواهد ما را از این عشق مطمئن سازد. این سومین راهی است که از طریق آن مشخص می شود که ما به خدای سه گانه تعلق داریم. پولس می نویسد: «پیام حقیقت را شنیده اید، انجیلی که شما را نجات می دهد. و چون شما این پیام را با ایمان پذیرفتید، خدا - همانطور که وعده داده بود - روح القدس را از طریق مسیح به شما عطا کرد. او با این کار مهر خود را بر شما نهاده است و این تأیید می کند که شما هم اکنون دارای او هستید.» این «مهر» است، یعنی علامتی که مشخص می کند شما دارای او هستید و تحت حمایت چه کسی هستید. و از آنجا که همه ما با هم به نام خدای سه گانه تعمید یافته ایم، دارای محبوب او هستیم و تحت حمایت او هستیم. روح القدس می خواهد ما را از این امر مطمئن سازد

همانطور که پولس می گوید، این باعث می شود که «به یک معنا پیش پرداختی که خدا به ما می دهد، اولین بخش از میراث آسمانی ما باشد.» در این صورت هیچ چیز بین خدا و ما نخواهد بود. هدیه روح القدس، به اصطلاح، اولین قسط آن است. اما این اولین قسط به این معنی است که ما دیگر نیازی به نگرانی در مورد آینده خود نداریم، که می توانیم به سلامتی خود، به ازدواجمان، به فرزندانمان، به جامعه، به سیاستمدارانمان و برای دنیایمان امیدوار باشیم، زیرا می دانیم که خداوند نسبت به همه اینها بی تفاوت نیست و قدرت و اراده، مداخله برای کمک را دارد. این بدان معناست که وقتی گناه و ناراحتی بر ما و دیگران سنگینی می کند همیشه می توانیم با اعتماد به نفسی تازه وارد کار شویم، زیرا خدا در پسرش در کنار ما ایستاده است. از طریق این پیش پرداخت روح، ما نیز این قدرت را به دست می آوریم که بتوانیم هر خواسته ای را که برآورده نشده است تحمل کنیم، زیرا می دانیم که خداوند روزی همه چیز را کامل می کند و برای رسیدن به آن گاهی راه فداکاری را در پیش می گیرد. این بدان معنی است که ما می توانیم در هر شرایطی ایمن باشیم و آزادانه، شاد و بدون ترس راه خود را طی کنیم. زیرا ما به خدای سه گانه تعلق داریم و از این رو توسط پدر برگزیده شده ایم، توسط پسر باز خرید شده و به وسیله روح از محبت او مطمئن شده ایم

هرکسی که بفهمد در اینجا با چه عشقی روبرو می شود، دیگر در مورد اینکه چگونه پدر، پسر و روح القدس به هم تعلق دارند و چگونه می توانند در تثلیث خود یکی باشند، حدس نمی زند. او به سادگی از آن هیجان زده است و با تمام وجودش سعی می کند به آن پاسخ دهد. در پایان، پولس می گوید که خدا با عطای روح القدس خود، «رستگاری کامل کسانی را که متعلق به او هستند تضمین می کند. و این نیز باید به شکوه قدرت و جلال او کمک کند.» زیرا این دقیقاً همان چیزی بود که خدا از ابدیت به دنبال آن بود - "این که ما پسران - و دختران او شویم، مالکیت او." تمام شکوه او در این واقعیت نهفته است که او "ما را از دست می دهد اگر بتوانم بگویم - تا دیگر از او طفره نرویم و او را طرد نکنیم، بلکه بخواهیم زندگی خود را با او تقسیم

کنیم. او قادر و دانا، والاترین و والاترین بود. اما او می خواست خدای ما باشد. او می خواست از داشتن ما خوشحال باشد و می خواست ما از داشتن او خوشحال باشیم

موضوع روز تثلیث، عزیزان جماعت، چیزی جز این نیست: که خوشحال باشیم که این خدا را داریم و به او تعلق داریم. وقتی این اتفاق می افتد، تمام تلاش های او به نتیجه رسیده است و او ستایش خود را دریافت می کند - با کلمات پرشور و همین طور با سرودهای پرشور، کارهای متعهدانه، تحمل مطمئن و صبوری هیچ جا خدا بهتر از آن جایی گرامی داشته نمی شود که ما نمی خواهیم چیزی جز دریافت کنندگان عشق او باشیم، جایی که پدر، پسر و روح القدس را به عنوان خدای خود در قبال نگرانی ها و نیازهای مان می پذیریم و زندگی مان را با او سهیم می شویم. آمین